

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٤٢٥



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

پایان نامه جهت دریافت درجه ی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان :

اصول حاکم بر ادله

در حقوق کیفری ایران و دادرسی های دیوان کیفری بین المللی

دانشجو:

صادق شاهرخی ساردو

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر رجبعلی گلدوست جویباری

۱۳۸۹/۷/۲۴

مستاد راهنما
دکتر رجبعلی گلدوست جویباری

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر باقر شاملو

۱۳۸۸

۱۴۲۵۵۳

تقدیم به

هر آنکه مرا آموختن آموخت و در این راه یاری نمود

خصوصاً پدرم که زندگی ام را مدیون مهربانی و رنج های بی پایانش هستم

و

مادرم که همچون شمعی می سوزد تا روشنی بخش وجودم باشد

و

دو خواهر عزیز و مهربانم که همه عمر مدیون فداکاری و محبتشان هستم

و

صمیمی ترین رفیق زندگی ام، برادر عزیزم که همیشه به تلاش و مهربانی اش افتخار می کنم

تقدیر و سپاس از :

آقای دکتر رجبعلی گلدوست جوپیری استاد محترم راهنما که همواره با اخلاقی نیکو و روی گشاده راهنما و یاور اینجانب در نگارش پایان نامه بودند

آقای دکتر باقر شاملو استاد محترم مشاور که با صبر و حوصله ای مثال زدنی راهنما و هدایتگر اینجانب بودند

آقای دکتر جعفر کوشا استاد محترم داور که قبول زحمت نمودند و داوری این پایان نامه را به عهده گرفتند

نام خانوادگی: شاهرخی ساردو

نام: صادق

سال ورود: ۱۳۸۵

رشته تحصیلی: حقوق جزا و جرم شناسی

استاد راهنما: دکتر گلدوست جویباری

تاریخ فراغت از تحصیل:

استاد مشاور: دکتر باقر شاملو

عنوان پایان نامه: اصول حاکم بر ادله در حقوق کیفری ایران و دادرسی های دیوان کیفری بین المللی

چکیده

بحث ادله از مهمترین مباحث آیین دادرسی کیفری است. اصول حقوقی رفع کننده خلاءها و تضمین کننده ثبات مقررات قانونی هستند. در حقوق ما مقررات آیین دادرسی کیفری از یک سو دارای خلاء های فراوان و از سوی دیگر فاقد ثبات لازم هستند مقررات دادرسی و ادله دیوان کیفری بین المللی در بر دارنده اصول مترقی نظام های مختلف آیین دادرسی کیفری است. اصل برائت یا فرض بیگناهی، محدودده حاکمیت گسترده ای دارد به گونه ای که سایر اصول حاکم بر ادله مانند اصل مشروعیت شیوه تحصیل دلیل از آن ناشی می شوند. بنابراین در ابتدا حاکمیت اصل برائت بر ادله کیفری و پس از آن حاکمیت اصل مشروعیت تحصیل دلیل مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه: اصول حقوقی، ادله کیفری، آیین دادرسی کیفری، اصل برائت، حقوق کیفری ایران، دادرسی های دیوان کیفری بین المللی

فهرست

صفحه	عنوان
۱	ا- طرح موضوع
۶	ب- سابقه تحقیق
۷	ج- ضرورت و هدف انجام تحقیق
۸	د- سؤال های تحقیق
۸	ه- فرضیات تحقیق
۸	و- روش تحقیق
	ی- ساماندهی تحقیق
۹	بخش اول : حاکمیت فرض بی گناهی بر ادله کیفری
۱۰	فصل اول - مفهوم، مبنا و جایگاه فرض بی گناهی
۱۱	مبحث اول- مفهوم فرض بی گناهی
۱۱	گفتار اول- مفهوم لغوی
۱۱	گفتار دوم- مفهوم اصطلاحی
۱۵	مبحث دوم- مبنای فرض بی گناهی
۱۵	گفتار اول- مبانی نظری

۱۵	بند اول-اصل اباحه
۱۶	بند دوم- حفظ نظم عمومی
۱۷	بند سوم- برابری سلاح ها
۱۹	بند چهارم- اصل عدم
۱۹	گفتار دوم- مبنای عملی
۲۱	مبحث سوم- تمیز فرض بی گناهی از مفاهیم مشابه
۲۱	گفتار اول- تمیز اصل براءت از اصول عملیه
۲۵	گفتار دوم- تمیز فرض بی گناهی از فروض قانونی
۲۸	مبحث چهارم- قلمرو فرض بی گناهی
۲۹	گفتار اول- گستره قلمرو فرض بی گناهی
۳۰	گفتار دوم- تحدید قلمرو فرض بی گناهی
۴۰	فصل دوم- آثار فرض بی گناهی متهم
۴۰	مبحث اول- آثار ناظر بر حقوق دفاعی متهم
۴۱	گفتار اول- حق سکوت متهم
۴۵	گفتار دوم- حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام
۴۶	بند اول- آگاهی از موضوع و دلایل اتهام در مرحله تحقیقات
۵۶	بند دوم- آگاهی از موضوع و دلایل اتهام در مرحله دادرسی
۶۰	گفتار سوم- حق داشتن فرصت و تضمینات کافی جهت تدارک دفاع
۶۳	گفتار چهارم- حق برخورداری از معاضدت وکیل و مترجم رایگان
۶۶	بند اول- حق برخورداری از معاضدت وکیل در مرحله تحقیقات

- ۷۴ بند دوم - حق برخورداری از معاضدت وکیل در مرحله دادرسی
- مبحث دوم - آثار ناظر بر تکالیف سایر عناصر دخیل در فرایند کیفری
- ۷۸ گفتار اول - ضرورت اقامه دلیل
- ۸۰ گفتار دوم - بار اثبات بردوش دادستان و شاکی
- ۸۲ گفتار سوم - تفسیر شک به سود متهم
- گفتار چهارم - یکسانی فرض بی گناهی نسبت به
- ۸۴ متهمان با سابقه و مجرمان اتفاقی
- ۸۶ نتیجه گیری بخش اول
- ۸۸ بخش دوم: اصل مشروعیت تحصیل دلیل
- ۸۹ فصل اول - معنا و مفهوم اصل مشروعیت تحصیل دلیل
- ۸۹ مبحث اول - معنا و مفهوم دلیل
- ۸۹ گفتار اول - مفهوم لغوی
- ۹۰ گفتار دوم - مفهوم اصطلاحی
- ۹۷ مبحث دوم - مفهوم مشروعیت تحصیل دلیل
- ۱۰۱ مبحث سوم - اصل مشروعیت تحصیل دلیل و آزادی تحصیل دلیل
- ۱۱۳ فصل دوم - آثار اصل مشروعیت تحصیل دلیل بر فرایند کیفری
- ۱۱۳ مبحث اول - آثار اصل مشروعیت بر فرایند تحصیل دلیل
- ۱۱۴ گفتار اول - احترام به تمامیت جسمانی و روانی افراد
- ۱۲۱ گفتار دوم - احترام به حریم خصوصی افراد با رعایت حریم مسکن

گفتار سوم- احترام به حریم خصوصی افراد با رعایت حریم
مکاتبات و مراسلات اشخاص

گفتار چهارم- احترام به حقوق دفاعی متهم در فرایند تحصیل دلیل ۱۳۷

مبحث دوم- آثار اصل مشروعیت تحصیل دلیل بر فرایند ارزیابی دلیل ۱۴۴

گفتار اول- سیستم ادله قانونی ۱۴۵

گفتار دوم- سیستم اقناع وجدانی ۱۴۹

گفتار سوم- محدودیت های سیستم اقناع وجدانی ۱۵۲

گفتار چهارم- ارزیابی ادله در فرایند کیفری ایران و دیوان کیفری

بین المللی ۱۵۶

نتیجه گیری بخش دوم ۱۶۶

نتیجه گیری پایان نامه ۱۶۸

فهرست منابع

طرح موضوع

هرگاه کسی، متهم به ارتکاب فعلی مجرمانه باشد تا زمانی که مجرمیت وی به نحو قانونی طی یک دادرسی منصفانه که در ضمن آن تمام امکانات لازم جهت دفاع برای وی فراهم آمده است ثابت نگردد بیگناه فرض می شود. (ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر)

فرض برائت متهمان را می توان از زمره میراث مشترک حقوقی کشورهای متمدنی جهان محسوب کرد. بررسی سوابق تاریخی و تاکید بر اهمیت این فرض در حقوق کیفری به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم از یک سو و آثار مهم مترتب بر آن از سوی دیگر نقش اصل برائت را در ارتباط با مبحث ادله اثبات کیفری مبرهن می سازد.

از دیدگاه تاریخی، اصل برائت از سابقه چندان دوری برخوردار نیست. در منشور حمورابی که متعلق به حدود چهار هزار سال پیش است و نیز در ایران باستان عدم پذیرش فرض مذکور منجر به توسل جستن به اوردالی یا «داوری ایزدی» در پاره ای از اتهامات می شد. در حقوق اسلام گرچه از بدو پیدایش بر اصالت برائت صحه گذاشته بودند و همواره در فضای آموزه های بزرگان حقوق اسلامی این اصل پذیرفته شده بود و نیز با توسل به برخی از اصول عملیه به پذیرش واعطای جایگاه رفیع برای فرض برائت حکم داده شد ولی در عین حال هیچ گاه این اصل در عمل به منصفانه ظهور نرسید است.

در حقوق قدیم غرب نیز می توان گفت تا پیش از ۱۷۸۹ از وجود چنین اصلی بی اطلاع بوده اند. این وضعیت همچنان ادامه داشت تا قرن هیجدهم (عصر روشنگری) که با ظهور فلاسفه بزرگی همانند، ولتر، روسو، منتسکیو^۱ و... اصل برائت مورد توجه قرار گرفت، البته به قول حقوقدان معروف فرانسوی، پرادل^۲، اصل مزبور چندان مورد حمایت قرار نگرفت و تنها در اعلامیه حقوق بشر و شهروندان ۱۷۸۹ میلادی اشاره مختصری به آن گردید.

پایان جنگ جهانی دوم به لحاظ سوء استفاده هایی که در حکومت های اقتدارگرا - به ویژه آلمان و ایتالیا - با جایگزین کردن اصل برائت توسط اصل مجرمیت از حقوق و آزادی های فردی شده بود توجه حقوق دانان را بار دیگر به اهمیت اصل برائت در سطوح ملی و بین المللی به خود معطوف داشت.^۳

از آن پس در سطح بین المللی و نیز منطقه ای بدفعات بر اصل برائت متهمان و آثار مترتب بر آن تاکید شده است که از آن جمله می توان اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد سال ۱۹۴۸ (ماده ۱۱)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر سال ۱۹۵۰ (بند ۱ قسمت ب ماده ۴) و (بند ۱ ماده ۶۱) اساسنامه دیوان کیفری بین المللی اشاره کرد.

در بسیاری از کشورهای حقوق نوشته، اصل برائت هم در قانون اساسی و هم در قانون آیین دادرسی کیفری و در برخی فقط در یکی از آن دو پیش بینی شده است. در حقوق کشور ما اصل ۳۷ قانون اساسی اصل برائت در مفهوم امروزی و بین المللی آنرا مد نظر داشته و مقرر

^۱ Montesquieu, Jean-Jacques Rousseau, Voltaire.

^۲ Pradel

^۳ - آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات سمت، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۰۳.

می دارد: «اصل، براءت است و هیچ کسی از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود.» ولی در قانون آیین دادرسی قانون گذار اشاره ای به اصل براءت نکرده است .

حاکمیت اصل براءت بر فرایند دادرسی ، دلیل را به مرکز ثقل و پر اهمیت ترین موضوع آئین دادرسی کیفری مبدل کرده است ، شاید بتوان با اغماض بیان کرد که موجودیت و اهمیت دلیل و دلیل آوری در فرایند کیفری از پذیرش اصل براءت ناشی می شود و اگر در حقوق کیفری چنین فرضی شناخته نشده بود یا عکس آن یعنی فرض مجرمیت به رسمیت شناخته می شد دیگر موضوعی به نام دلیل تا این اندازه توجه ها را به خود جلب نمی کرد .

باید توجه داشت که اهمیت دلایل و نقش و کارکرد آنها در فرایند کیفری کشورهای مختلف به میزان پذیرش و درجه احترامی بستگی دارد که آن فرایند کیفری برای اصل براءت قائل است به دیگر سخن اگر در یک نظام حقوقی اصل براءت دارای جایگاه و شأن ویژه و بالایی باشد به همان اندازه دلیل دارای ارزش و اعتبار ویژه خواهد بود . به بیان دیگر دلیل در میزان اعتبار ، ارزش و اهمیت از اصل براءت تبعیت می کند و شأن و اعتبار و آبروی خویش را از شأن و آبروی فرض براءت در نظام حقوقی به عاریه می گیرد .

فرایند دادرسی کیفری از عناصری تشکیل شده است . عملکرد این عناصر در کنار یکدیگر و در تعامل با هم است . برخی از این عناصر مانند دلیل دارای نقش مدیریتی بسیار پر اهمیتی در فرایند دادرسی کیفری می باشند . نقش و اهمیت دلیل در فرایند دادرسی به اندازه ای است

که بدون وجود آن نمی توان صحبت از فرایند دادرسی نمود . دلیل مفهومی است که می توان گفت همواره در دادرسی های کیفری وجود داشته است یا می توانسته حضور داشته باشد . به عبارت دیگر دلیل هسته مرکزی فرایند دادرسی کیفری بوده و سایر عناصر این فرایند حول آن شکل یافته اند .

از بررسی منابع تاریخی حقوق کیفری می توان دریافت که در ابتدا دلیل و ارائه آن در فرایند کیفری موضوعی اختیاری و فرعی محسوب می شده است و با گذر زمان دلیل توانست جایگاه اصلی خود را در فرایند کیفری به عنوان عنصری تعیین کننده و اثر گذار باز کند و به کلیدی ترین و تعیین کننده ترین عنصر در دادرسی ها تبدیل شود .

بنابراین برای دلیل در فرایند کیفری می توان یک سیر تکاملی در نظر گرفت و ابتدای و انتهای این مسیر تکاملی را به این شکل ترسیم نمود . در ابتدا از آن جایی که در حقوق کیفری فرض بر مجرمیت اشخاص بود ، گناهکاری امری اثبات شده بود و نیازی به ارائه دلیل برای اثبات آن نبود و ممکن بود دلیل ارائه نشود تا بیگناهی را به اثبات برساند . بنابراین در ابتدای راه تکامل فرایند کیفری، دادرسی های قابل مشاهده بودند که دلیل در آنها دارای نقشی فرعی بود به نحوی که اگر دلیل هم در یک دادرسی ارائه نمی شد مشکل چندانی ایجاد نمی کرد .

با گذر زمان و بعد از آن که اصل برائت در حقوق کیفری حاکمیت یافت نقش و کارکرد دلیل دچار تحولات بسیار عمیق و تأثیر گذاری شد . به طوری که دیگر دلیل، عنصر اختیاری یک فرایند دادرسی محسوب نمی شد و از حاشیه فرایند به مرکز آن نقل مکان کرد . این تغییر

جایگاه و کارکرد از آثار مستقیم حاکمیت اصل برائت بر دادرسی کیفری است. دلیل عنصری الزامی برای حیات یک دادرسی کیفری است به گونه ای که اگر دلیل وجود نداشته باشد یا ارائه نشود نمی توان دادرسی را شروع و به جریان انداخت.

دلیل سنگ بنای آغازین فرایند دادرسی و مجوز آغاز آن محسوب می شود به دیگر سخن دلیل بعد از حاکمیت اصل برائت نقش مدیر را در فرایند دادرسی به عهده گرفته است به گونه ای که مجوز آغاز فرایند را می دهد و تعیین می کند که فرایند به چه شکلی پیش رود و اوست که نتیجه فرایند را مشخص می کند - قدرت و ضعف دلیل است که کیفیت برخورد با متهم را بیان می کند.

بنابراین، با توجه به اهمیت و کارکرد دلیل در فرایند کیفری این احتمال قوی می نماید که از هر وسیله و روشی جهت تحصیل و ارائه آن در فرایند دادرسی استفاده شود ولی از آنجایی که اصل برائت است و اشخاص بی گناه فرض می شوند؛ هرگونه شیوه نامشروع در تحصیل دلیل ممنوع گردیده است. به عبارت دیگر حاکمیت اصل برائت بر فرایند دادرسی موجب حاکمیت یافتن اصل مشروعیت در فرایند تحصیل دلیل گشته و از این طریق آزادی عناصر دخیل در فرایند تحصیل دلیل را محدود می کند به عبارت دیگر حاکمیت اصل برائت بر اصل تحصیل آزادانه دلیل موجب حاکمیت اصل مشروعیت، در فرایند تحصیل دلیل کیفری می گردد. بنابراین اصل مشروعیت از نتایج حاکمیت اصل برائت بر فرایند دادرسی کیفری است. اصل مشروعیت تحصیل دلیل، اصل آزادی دلیل را در هر دو حوزه تحصیل و ارزیابی تحت تاثیر قرار داده و محدودیت هایی را به آن بار می کند.

اهمیت تحقیق

از یک دید آیین دادرسی شامل دو بخش اصول و مقررات است. اصول قواعد کلی و اساسی اند که معمولاً ثابتند و در تغییر قوانین و مقررات دچار دگرگونی و تغییر اساسی نمی شوند. به همین جهت اصول می بایست جهت دهنده و تعیین کننده راستای تغییرات و ثبات دهنده مقررات در آیین دادرسی باشند. تغییرات زیاد و اصلاحات صورت گرفته در مقررات آیین دادرسی کشور ما نشان از آن دارد که اصول مربوط به دادرسی به درستی جایگاه خویش را پیدا نکرده اند. از آنجایی که در کشور ما مقررات بر مبنای این اصول که بارزترین ویژگی شان ثبات است به خوبی تعیین و اصلاح نمی شوند ما همواره شاهد تغییرات و عدم پایداری مقررات این حوزه هستیم به عبارت دیگر ریشه تزلزل و ناپایداری مقررات آیین دادرسی را میتوان در نادیده گرفتن و کم توجهی به این اصول دانست.

از آنجایی که مقررات مربوط به ادله از محوری ترین قواعد آیین دادرسی کشورها به شمار می آیند اصول حاکم بر آنها از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بوده و در همین راستا ما بر آن هستیم که تعدادی از اصول ناظر بر دادرسی و ادله را مورد بررسی قرار دهیم. از آنجایی که نظام دادرسی دیوان کیفری بین المللی با توجه به ماهیت وجودی اش و نحوه تشکیل آن و مشارکت کشورهای مجمع دولت های عضو اصولاً نمی تواند فارغ از تجربه های حقوق داخلی کشورهای با آیین دادرسی مترقی باشد، در نظام ادله و دادرسی دیوان سعی شده است اصولی که نظام های دادرسی ملی پس از فرازونشیب های فراوان به آن دست یافته اند و به عنوان اصول دادرسی عادلانه شهرت یافته اند را در خود جای دهد اصول مربوط به ادله هم

بخشی از آنها را تشکیل داده که بررسی شان برای کشورهای در حال توسعه ای که هنوز آن فراز ونشیب های دادرسی عادلانه را پشت سر نگذاشته اند می تواند تا اندازه ای راه گشا بوده و حتی پذیرش اصول مذکور را برای این کشور ها تسهیل و تسریع کند.

سابقه تحقیق

اکثر کتاب ها و پایان نامه ها و حتی موضوعاتی که در حوزه آیین دادرسی در دانشکده های حقوق تدریس می شود، حول محور مقررات آیین دادرسی تمرکز دارند و کمتر به حوزه اصول در آیین دادرسی پرداخته شده است و مبحث ادله هم از این امر مستثنی نبوده است و نوشته های که ادله کیفری را مورد بحث قرار داده اند یا ادله را به صورت موردی بررسی کرده اند یا بحث را تحت عناوینی مانند طریقیّت و موضوعیت ادله مطرح کرده اند

ضرورت تحقیق

از آنجایی که بارزترین ویژگی اصول ثبات و ثبات دهندگی آنها است و از طرفی مقررات آیین دادرسی ما به علت کم توجهی به این اصول از ثبات و پایداری زیادی برخوردار نمی باشند و از طرف دیگر در حوزه اصول آیین دادرسی هم کار به مراتب کمتری صورت گرفته لذا ضرورت کار در این حوزه به خوبی روشن است

سوالات تحقیق

۱- آیا اساساً اصول خاصی بر نظام ادله کیفری کشور ایران و دیوان کیفری بین المللی حاکم است؟

۲- اصول حاکم بر ادله چه نقشی در تضمین دادرسی عادلانه دارند؟

۳- بر فرض حاکمیت اصولی بر ادله در قلمرو حقوق کیفری آیا این اصول مکمل و مرتبط با یکدیگرند یا مستقل از هم هستند؟

فرضیات تحقیق

۱- نظام ادله کیفری ایران و دیوان کیفری بین المللی مبتنی بر اصول خاصی است .

۲- رعایت اصول مربوط به ادله تضمین کننده فرایند دادرسی عادلانه است .

۳- اصول حاکم بر ادله در ارتباط نزدیک با یکدیگرند و بر یکدیگر تاثیر دارند.

روش تحقیق:

روش تحقیق در این پایان نامه به صورت مطالعه تطبیقی و مزجی بین آیین دادرسی ایران و نظام دادرسی و ادله دیوان کیفری بین المللی در قالب روش توصیفی تحلیلی و مراجعه به منابع کتابخانه ای و آراء قضایی است .

ساماندهی تحقیق

از آنجایی که آثار و وسعت حاکمیت «فرض بی گناهی» بر فرایند کیفری و به تبع آن بر ادله کیفری بسیار زیاد است منطقی است که در ابتدا و در بخش اول حاکمیت این اصل بر ادله و فرایند کیفری مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه و در بخش دوم اصل مشروعیت تحصیل دلیل که از آثار حاکمیت اصل براءت بر فرایند کیفری است مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش اول : اصل برائت

بخش اول - اصل برائت

درک چگونگی و میزان تأثیر اصل برائت بر فرایند کیفری مستلزم شناخت و درک دقیق معنا و مفهوم این اصل می باشد. به همین جهت در فصل اول این نوشتار تلاش ما بر این است تا معنا و مفهوم این اصل را مورد شناسایی قرار داده و پس از آن در فصل دوم آثار این اصل بر فرایند کیفری را مورد بررسی و دقت نظر قرار دهیم. لازم به ذکر است که مراد از مفهوم برائت در این پایان نامه صرفاً جنبه های کیفری آن است بنابراین علی رغم اینکه به نظر میرسد صحیح ترین اصطلاح «فرض بی گناهی» است و در به کار بردن اصطلاح مترادف دیگر یعنی «اصل برائت کیفری» مانعی به نظر نمی رسد.

فصل اول - مفهوم، مبنا و جایگاه فرض بی گناهی

در این فصل شناسایی مفهوم اصل برائت را از بررسی معنای لغوی و اصطلاحی آن شروع کرده (مبحث اول) و پس از آن مبنای این اصل را مورد بررسی قرار داده (مبحث دوم) و در ادامه